



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیه السلام

www. **Ghaemiyeh** .com  
www. **Ghaemiyeh** .org  
www. **Ghaemiyeh** .net  
www. **Ghaemiyeh** .ir



مجلس شورای اسلامی ایران



کتابخانه احکامات

اسلام و پدیده

# تکفیر

استاد معظم علامه نجیب الدین طهرانی (مدظله)

به کوشش: معاونت پژوهش مرکز تخصصی ائمه اطهار مدینه

سلسله نشست‌های علمی ۸

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# اسلام و پديدۀ تکفير

نويسنده:

نجم الدين طبسى

ناشر چاپي:

برگ فردوس

ناشر دييجيتالي:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۶	اسلام و پدیده تکفیر
۶	مشخصات کتاب
۷	اشاره
۱۲	فهرست مطالب
۱۴	مقدمه
۱۸	دبیر علمی
۲۲	پیش گفتار
۳۱	نمونه های تاریخی تکفیر مسلمانان
۴۲	فاجعه ی حره
۴۳	واقعه کربلا
۵۰	درباره مرکز

سرشناسه : طبسی، نجم الدین، 1334 -

Tabasi, Najm al-Din

عنوان و نام پدیدآور : اسلام و پدیده تکفیر/ نجم الدین طبسی؛ به کوشش معاونت پژوهش (علیرضا بهرامی).

مشخصات نشر : قم: برگ فردوس، 1394.

مشخصات ظاهری : 42ص.؛ 11×20 س م.

فروست : نشست علمی؛ 8.

شابک : 20000 ریال 978-600-6379-16-6:

وضعیت فهرست نویسی : فهرستی

یادداشت : کتابنامه به صورت زیرنویس.

موضوع : تکفیر (فقه)

(Excommunication (Islamic law

تکفیر (فقه) -- کشور های اسلامی

Excommunication (Islamic law) -- Islamic countries

شناسه افزوده : بهرامی، علیرضا

رده بندی کنگره : 3/BP225/ط2الف5 1394

رده بندی دیویی : 297/464

شماره کتابشناسی ملی : 4858617

اطلاعات رکورد کتابشناسی : رکورد کامل

خیراندیش دیجیتال : انجمن مددکاری امام زمان (عج) اصفهان

ویراستار کتاب : خانم نرگس قمی

ص: 1

**اشاره**

سرشناسه: طبسی، نجم الدین، 1334 -

عنوان و نام پدیدآورنده: اسلام و پدیده تکفیر / آیت الله نجم الدین طبسی.

مشخصات نشر: قم: انتشارات برگ فردوس، 1394.

شابک: 978-600-6379-16-6

موضوع: تکفیر .

موضوع: وهابیت - دفاعیه ها و ردیه ها.

موضوع: سلفیه - دفاعیه ها و ردیه ها.

رده بندی کنگره: 1394 5 الف ط 2 BP 225/3

رده بندی دیویی: 297 / 464

سلسله نشست های علمی / 8

اسلام و پدیده تکفیر

استاد معظم آیت الله نجم الدین طبسی (مدظله)

به کوشش: .... معاونت پژوهش (علیرضا بهرامی)

انتشارات: .....برگ فردوس

نوبت چاپ: ..... اول / 1394

شمارگان: ..... 5000 نسخه

چاپ: ..... یاران

لیتوگرافی: ..... مهران

قیمت: ..... 2000 تومان

مرکز پخش: قم، میدان معلم، مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام

تلفن: 37749494 و 37832303





بسم الله الرحمن الرحيم

نشست علمی (8)

اسلام و پدیده تکفیر

استاد معظم آیت الله نجم الدین طبسی (مدظله)

به کوشش معاونت پژوهش (علیرضا بهرامی)

مرداد ماه 1394

ص: 3



## فهرست مطالب

مقدمه ... 7

پیش گفتار .. 15

نمونه های تاریخی تکفیر مسلمانان ... 24

فاجعهی حره ... 35

واقعه کربلا ... 36

ص: 5



جهان پس از یک دوره طولانی از پشت سر گذراندن تجربه سکولاریزم یا آرمان و کمال مطلوب قرار دادن آن از نیمه ی دوم قرن بیستم شاهد گونه های مختلف از بازگشت به دین و احیای آن بوده است. این بازگشت گرچه در ابتدا در قالب احیاگرایانه، اصلاح گرایانه و بنیادگرایانه در مناطقی همچون شبه قاره و شمال آفریقا ظهور یافت، اما ظهور جریان های تکفیری جهادی در دهه اخیر ضرورت بازخوانی و بازشناسی این جریان و تحولات ایجاد شده در مرزبندی میان مسلمین را امری مسلم کرده است.

گرچه برخی تمدن شناسان غربی بر این باورند که فرآیند مدرنیزاسیون اقتصادی و تغییرات ژرف اجتماعی

در جهان مردم را از هویت های درازمدت بومی جدا ساخته و با بحران جدی هویت روبرو کرده، اما به نظر می رسد این جریان در میان مسلمانان با فهم و تفسیر نص و پایبندی به آن، بدون مراعات موازین علمی و اجتماعی گره خورده است. عنصر مهمی که خطای بزرگ تکفیر و پیامدهای آن را به دنبال داشته و از قرآن و روایات به عنوان نصوص مرجع و مادر برداشت های نادرستی نموده است.

مرکز تخصصی ائمه اطهار علیهم السلام از سال 1391 شمسی، سلسله نشست های علمی خود در نقد سلفیه را با سه هدف اصلی برگزار نموده است این اهداف عبارتند از:

1. هدف تبلیغی - اطلاع رسانی

2. هدف علمی - آموزشی

3. هدف پژوهشی - نظریه پردازی

مخاطبان این سلسله نشست ها علاوه بر اساتید و دانش پژوهان مرکز از طلاب و دانشجویان علاقه مند به مباحث مقارن و مبلغان مناطق محروم کشور (که اغلب هم زیستی میان شیعه و سنی در آن وجود دارد) تشکیل می شوند. سطح مقدماتی آشنایی مبلغان با مباحث مطرح شده مد نظر است. در سطح میانی دانش افزایی دانش پژوهان و

ص: 8

طلاب با مباحث روز و تبار شناسی و جریان شناسی مسائل سلفیه و جدیدترین مباحث مطرح در موضوعات نشست مطلوب است. در سطح سوم پرسش های پیش رو و زمینه های پژوهش های جدید در سطح تخصصی و مناسب برای گروه های پژوهشی مرکز در نظر گرفته شده است.

به فضل پروردگار تاکنون پانزده نشست از این سلسله نشست ها با حضور اساتید طلاب، پژوهشگران و دانشجویان برگزار شده و مجموعه پیش رو دومین دوره انتشار این نشست ها به شمار می رود. در مجموعه نخست چهار نشست با عناوین «مفهوم شناسی سلفیه»، «تاریخ تفکر سلفی گری»، «جریان شناسی سلفیه معاصر» و «جریان شناسی وهابیت» انتشار یافت در این دوره شش نشست دیگر با عناوین «توحید و شرک»، «مبانی فقهی تکفیر»، «اسلام و پدیده تکفیر»، «جایگاه قرآن و روایات در اندیشه سلفیه»، «مبانی رجال و حدیث نزد سلفیه» و «مبانی علمی وحدت و تقریب مذاهب اسلامی» تقدیم اندیشمندان، فضلاء و فرهیختگان جامعه می شود.

لازم است از رهنمودهای ارزشمند حضرت آیت الله محمدجواد فاضل لنکرانی (مدظله العالی) رئیس هیأت امنای



مرکز جهانی فقه ائمه اطهار علیهم السلام نسبت به مجموعه فعالیت های مرکز تخصصی ائمه اطهار به ویژه در برگزاری نشست های علمی تشکر نماییم. نیز حمایت های بی دریغ حجت الاسلام والمسلمین دکتر حسین حبیبی تبار مدیر محترم مرکز تخصصی ائمه اطهار راهگشای به ثمر نشستن این تلاش علمی بوده است.

انتقادات و پیشنهادات اساتید، فضلاء و دانش پژوهان گرامی موجب امتنان خواهد بود.

علی رضا بهرامی

معاون پژوهش مرکز تخصصی ائمه اطهار علیهم السلام

ص: 10

## دبیر علمی

دیر زمانی است پدیده تکفیر زندگی سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و عقیدتی جامعه اسلامی را با چالش هایی مواجه ساخته است. گرچه ویژگی مشترک همه این جریان ها زودگذر بودن آن است، اما به مثابه طوفانی در مدت زمانی کوتاه آسیب های فراوانی وارد می آورد.

پیشینه تاریخی این پدیده نشان میدهد تکفیر گروه های مختلف گاه به نزاع های خونین انجامیده و گاه در محدوده زبان و قلم تکفیر کنندگان باقی مانده و گروه مقابل را گاه به حاشیه ی انزوا رانده و تنفر گروهی را نسبت به تکفیر شدگان برانگیخته است. (1) گرچه هم

ص: 11

---

1- نمونه روشن تسریع در تکفیر داستان «قطری بن الفجاءة» است که پس از نماز گروهی از مأمومین خود را به خاطر عتابشان کافر خواند و گفت: «جئتمونی کفاراً حلالاً دماؤکم». (نک: مقالات الاسلامیین ص 87) حتی محمد بن عبدالوهاب هم این چنین به عمومیت تکفیر قائل نبوده است. او تکفیر عمومی کسانی که از او پیروی نمی کردند و جاهل را روا نمی داند و تنها تارک شهادتین را کافر می داند و کسی که همه مسلمانان را کافر می شمرد کافر خواند. عقیده الشیخ محمد بن عبدالوهاب: ص 26 - 208.

حکومت‌ها و هم جامعه اسلامی در مقابل تکفیر و جریان - های تکفیری موضع گرفته اند اما سابقه تاریخی نشان می - دهد تکفیری‌ها در آغاز راهشان تعداد زیادی را کشته و سرانجام خود نیز از عرصه روزگار حذف شده اند.

ابوالحسن اشعری بر این باور است عبیده سرکرده خوارج صفریه به خلاصه عقاید خوارج معتقد بود. حال این عقیده چیست؟ در یک جمله اینکه مخالفین ایشان مشرک هستند و روش برخورد با ایشان همان برخوردی است که پیامبر خدا با دشمنان جنگ طلب خویش انجام داد، یعنی مشرکینی که با آنان پیکار کرد. (1) و این به منزله یک اعلان جنگ عمومی با مسلمانان به شمار می رود.

امروز نیز این خطر جامعه مسلمانان را تهدید می کند. روزگاری که ندای توحیدی تکبیر جای خود را به شعار تکفیر داده و عده ای با تکبیر سلاح تکفیر را به سوی زن و مرد و کودکی می گیرند که جز ندای توحید سایه دیگری بر سر خویش نمی بینند.

ص: 12

این خطر بزرگ پیامدهای انسانی، اجتماعی و سیاسی زیادی به دنبال دارد که ضرورت مطالعه و بازخوانی سریع آن و مداوای این غده سرطانی را ضروری می‌سازد.

شاید بتوان ثمره مهم‌ترین تهدیدات جریان‌های تکفیری را در دو کلمه «تفرقه و تجزیه» خلاصه نمود. و این خود سرآغاز طمع دشمنان اسلام برای ضربه بر پیکره امت واحده پیامبر است.

مرکز تخصصی ائمه اطهار علیهم السلام در سلسله نشست‌های تخصصی خود به جریان‌شناسی و نقد آراء و اندیشه‌های این جریان در حوزه‌های مختلف کرده است. ضروری است موضع اسلام ناب و برآمده از تعالیم قرآن و سنت پیامبر در قبال این جریان مورد بررسی قرار گیرد.

استاد ارجمند علامه نجم‌الدین طبسی به ریشه‌های تاریخی این جریان و نقد آن خواهند پرداخت.



امروز جهان اسلام گرفتار گروهکی تکفیری است، گروهکی که مدعی اسلام است در حالی که اسلام از او بری است. حرکات زشت، کارهای خلاف شرع و خلاف انسانیته که از این‌ها سر می‌زند در مسیر تحقق اهداف دشمن است و دشمن از طریق این گروهک با صرف کمترین هزینه، بیش‌ترین استفاده تبلیغاتی را علیه اسلام و مسلمین می‌برد.

قبل از پرداختن به موضوع لازم است به نکات ذیل توجه شود:

نکته ی اول؛ مبنای اسلام تسامح و تساهل است؛ بدین معنی که اسلام در چارچوب قانون، سخت نمی‌گیرد. چنانکه خداوند نیز در قرآن کریم در خلال آیات متعددی به این مسئله تأکید نموده است از جمله: «وَمَا جَعَلَ

عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ» (1)، «يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ» (2) و «وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ» (3). بنابراین اسلام آمده تا این زنجیرها و طناب هایی که به دست و پای بشر بسته شده را باز کند، چرا که مبنای اسلام بر تسامح است. البته این تسامح به معنای کم رنگ کردن دین نیست، بلکه بدین معناست که در اسلام ورود به دین آسان و خروج از آن سخت است.

در اسلام راه ورود افراد به اسلام بسیار آسان است. چنانکه نبی مکرم اسلام می فرماید: «قولوا لا اله الا الله تفلحوا»، (4) بگویند لا اله الا الله تا رستگار شوید. همانطور که در این آیه بیان شده گفتن لا اله الا الله نشانه ورود فرد به اسلام است.

در جایی دیگر آمده «من قال لا اله الا الله محمد رسول الله فقد حُقِنَ ماله و دمه» (5)، هر کس بگوید لا اله الا الله و محمد رسول الله به درستی مال و خونس محفوظ است.

ص: 16

1- حج، 78.

2- بقره، 185.

3- أعراف، 157.

4- مجمع البيان في تفسير القرآن ج 10، 852 ذیل آیه اول سوره ی مسد؛ تفسير القرآن العظيم (ابن کثیر) ج 8، ص 486، سوره ی مسد.

5- بحار الانوار: ج 65، ص 291.

هر قدر آموزه های اسلام، ورود به اسلام را ساده گرفته اند ولی خروج از آن را سخت می گیرند. اسلام از کنار قضیه ارتداد ساده نمی گذرد، در فقه برای کسی که ثابت شود از اسلام خارج شده، متناسب با اینکه مرتد ملی است یا فطری، زن بودن یا مرد، احکام جداگانه ای در نظر گرفته شده است. برای مثال اگر مرتد ملی باشد بازداشت می شود، چند روزی به او مهلت می دهند تا مجدداً به اسلام بازگردد و اگر بازنگشت حکم او اعدام است. اگر مرتد فطری باشد، حتی در صورتی که به اسلام بازگردد باید حد بر او جاری شود (مثل کسی که شراب خورده یا مرتکب زنا شود، چنین فردی حتی اگر توبه هم بکند حد بر او جاری خواهد شد). هر چند ممکن است بین خود و خدای خود توبه اش قبول شود.

از آنجا که اسلام در باب خروج از دین سخت می گیرد از کسانی که دیگران را بدون دلیل متهم به خروج از اسلام می کنند نیز به راحتی نمی گذرد و برای چنین افرادی مجازاتی مانند شلاق و تعزیر در نظر گرفته است.

نکته دوم: اسلام با خشونت مخالف است؛ این مسئله در زندگی و سیره پیامبر اسلام به خوبی مشخص است. برای مثال در یکی از جنگ ها به پیامبر اکرم خبر می دهند



یکی از مسلمین اسرای کفار را از کنار کشته های خودشان رد می کند، پیامبر ناراحت شده او را می خواهند و می فرمایند: آیا رحم در دلت نبود که این اسیر را از کنار کشته ی عزیزش رد می کنی؟! این چه کاری است که کردی؟! (1)

هم چنین وقتی مسلمانان، مکه را با یک اصل غافلگیری و رعب محاصره می کنند و کفار را خلع سلاح می نمایند، هنگام ورود نیروهای اسلام برخی از مسلمین خودسرانه شعار سر می دهند: «الیوم یوم الملحمة \* الیوم تسبی الحرمة» امروز سرهایتان را از تن جدا می کنیم و جوی خون به راه می اندازیم، امروز روزی است که زن هایتان را به اسارت و کنیزی می گیریم، این خبر به پیامبر رسید ایشان بسیار ناراحت شدند و فرمودند: بروید آنها را از این شعار منع کنید، این حرف ما نیست، بروید اعلام کنید «الیوم یوم المرحمة الیوم تحمی الحرمة» (2) امروز روز رحمت

ص: 18

---

1- أنزعت منك الرحمة یا بلال حیث تمر بامراتین علی قتلی رجالهما. تاریخ الامم و الملوک ج 2 ص 137 حوادث سال 7 هجری، غزوه خیبر؛ اسد الغابة في معرفة الصحابة: ج 7 ص 169 شرح حال صفیه بنت حبی بن اخطب، ش 7063 و الاصابة في تمييز الصحابة: ج 8، ص 210 شرح حال صفیه بنت حبی بن اخطب، ش 11407 .

2- فتح الباری : ج 8 ص 7؛ الاستیعاب: ج 2، ص 597 و شرح ابن ابی الحدید: ج 17، ص 272.

است. امروز از حرمت ها و نوامیس حمایت می شود.

پیامبر اکرم پیوسته در جنگ ها در پی آن بودند که با کمترین تلفات و با کمترین ضایعات به اهداف خود نائل شوند، لذا در تمام این 80 (1) جنگی که پیامبر اکرم در طول ده سال بیش از 1500 نفر کشته نشدند و حتی شاید تعداد کشته ها به این عدد هم نمی رسد و کمتر از این باشد، چون هدف پیامبر از این جنگ ها هدایت بشر بوده است نه خونریزی. چنانچه پیامبر نیز ذیل روایتی به حضرت علی هدف از جنگ را چنین بیان می کنند: « لَنْ يُهْدَى اللَّهُ بِكَ رَجُلًا » (2) برای اینکه خدا به وسیله تو فردی را هدایت کند.

آیه « وَ لَا تَقُولُوا لِمَنْ أَلْفَىٰ وَ إِلَيْكَ السَّلَامُ لَسْتَ مُؤْمِنًا » (3) نیز مؤید همین نکته است. برای این آیه در کتاب

ص: 19

---

1- امام رضا در تفسیر آیه 25 توبه که می فرماید: « وَ لَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ فِي مَوَاطِنَ كَثِيرَةٍ » تعداد جنگ های زمان پیامبر را 80 جنگ معرفی می کنند. الکافی ج 7، ص 464، باب النوادر، حدیث 21.

2- المسند احمد بن حنبل: ج 5، ص 333 برای آشنایی بیشتر با منابع این حدیث به کتاب موسوعه أطراف الحدیث النبوی: ج 6، ص 557 مراجعه شود. فقال علی (علیه السلام): یا رسول الله أقاتلهم حتی یكونوا مثلنا؟ قال: انفذ علی رسلك حتی تنزل بساحتهم ثم ادعهم الی الإسلام و أخبرهم بما یجب علیهم من حق الله فوالله لئن یهدی الله بك رجلا واحدا خیر لك من أن یكون لك حمر النعم. خیر لك مما علیہ الشمس أو غربت. المغازی واقدی ج 2 ص 1079، سریه علی بن ابی طالب الی الیمن.

3- نساء، 94.

شأن نزول نخست : جریان محلم بن جثامه الیثی است که پیامبر اکرم او را برای سریه ای اعزام داشته بودند. وی در مسیر به شخصی به نام عامر ابن الاضبط برخورد می کند، عامر به وی سلام می کند و می گوید: «من مسلمانم سلام علیکم»، اما به دلیل مشکل و اختلاف دیرینه ای که بین این دو نفر بود، با اینکه عامر گفت من مسلمان هستم محلم او را کشت. بعد هم نزد پیامبر اکرم برگشت تا گزارش بدهد. دو زانو خدمت رسول الله نشست و از ایشان خواست تا برایش طلب مغفرت کنند. پیامبر فرمودند برای چه؟ عرض کرد: یک بنده ی خدایی را در بین راه دیدم با اینکه سلام کرد او را کشتم! پیامبر فرمودند: لا غفر الله لک، خدا تو را نیامرزد، بلند شو برو بیرون، پس محلم در حالی که گریان بود از آنجا بیرون رفت و یک هفته نگذشته بود که مرد. او را غسل داده و کفن کردند و می خواستند دفن کنند. همین که او را داخل قبر گذاشتند، زمین او را به بیرون پرت کرد، همه مبهوت ماندند که چرا؟ جریان را برای پیامبر اکرم نقل کردند پیامبر فرمودند: «إِنَّ الْأَرْضَ تَقْبَلُ مَنْ هُوَ شَرٌّ مِنْ مُحَلِّمٍ لَكِنَّ اللَّهَ أَرَادَ أَنْ يُعْظِمَ مِنْ حُرْمَتِكُمْ»، همانا زمین

بدتر از محلم را پذیرفته ولی (این اتفاق بدین خاطر است که) خداوند عزوجل می خواست حرمت شما (مسلمین) را بزرگ بدارد. بنابراین اراده خدا بر این امر تعلق گرفت تا حرمت و احترام خون مسلمان بر همه آشکار شود و تأکیدی باشد بر اینکه کسی اجازه ندارد بدون دلیل خون مسلمانی را بریزد. در نهایت محلم را بردند و روی سنگی میان دو کوه قرار دادند.

بعد از این ماجرا آیه ی فوق نازل شد مبنی بر این که وقتی کسی ادعای اسلام می کند (چه این ادعا از ترس باشد یا هر چیز دیگر)، وظیفه ما نیست تا درون قلب او را کاوش نماییم، بلکه ما مأمور به ظاهر هستیم. (1)

شأن نزول دوم: مربوط به جریان فرستادن اسامه بن زید به سوی بنی ضمیره از سوی پیامبر است. وی در بین راه به شخصی به نام مرداس بن نهیک برخورد می کند. مرداس گله ای گوسفند و چند شتر سرخ مو همراه داشت که ارزش مالی زیادی داشتند. او ترسید و گله را در غاری پنهان کرد و نزد اسامه آمد و شهادتین را جاری کرد. اسامه دست به شمشیر برد و او را کشت. ظاهراً کسانی که آنجا بودند اعتراض کردند و دامن اعتراضات

ص: 21

---

1- مجمع البیان فی تفسیر القرآن ج 3، ص 145 ذیل آیه 94 سوره نساء.

توسعه پیدا کرد تا به پیامبر اکرم رسید و قضیه را برای حضرت نقل کردند. پیامبر اکرم فرمودند: تو یک مسلمان را کشتی؟ عرض کرد: یا رسول الله او فقط شهادتین را جاری کرد تا در امان باشد و حقیقتاً اسلام نیاورده بود و منافق بود. پیامبر فرمودند: آیا مأمور بودی که قلبش را باز کنی بینی درونش هم همین طوری بوده است؟ آیا ما مأمور به باطن هستیم؟ اینجا بود که آیه فوق نازل شد. (1)

حال شأن نزول آیه هر کدام از ماجراهای فوق که باشد، حکایت از این دارد که اسلام سخت و شدیداً با خشونت و ریختن خون مسلمان به هر بهانه ای مخالف است، مگر در چارچوب حدودی که خود اسلام معین کرده است.

بنابراین از آنجا که هدف از ارسال رسل تعلیم و تزکیه بشر است، (2) در صدر اسلام نیز سعی بر آن بود تا کمترین تلفات و ضایعات در جنگ ها و درگیری ها اتفاق بیفتد. حال می توان این سیره و مشی پیامبر را با آنچه امروزه توسط گروهک های تکفیری در جهان اسلام و به نام اسلام در حال وقوع است مقایسه کرد. برای مثال در ماه رمضان در شهر تکریت یک پادگان اسپیکر توسط تکفیری های

ص: 22

---

1- همان.

2- بقره: 129 و آل عمران: 164.

وهابی محاصره می شود و کمتر از صبح تا ظهر (شاید 2 ساعت) 1750 شیعه را سر می برند. این ها قضایایی است که در همین ایام اتفاق افتاده و تاریخ نیست.

نکته سوم؛ امت اسلام امروز گرفتار افراط گری هاست؛ امروز این روند افراطی گری به امت اسلام لطمه وارد می سازد. امروز کاری که این گروهک های تکفیری کرده اند و می کنند سبب شده است که مردم از اسلام بیزار شوند و شاهد آن هستیم که «يَخْرُجُونَ مِنْ دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا» مردم دسته دسته از دین خارج می شوند.

این اعتقاد در جوامع اسلامی در حال شکل گیری است که اگر دین اسلام این است ما نخواستیم! یکی از مسئولین رده بالای مصر به قم آمده بود و طی جلسه ای با صراحت گفت: از وقتی که حزب اخوان المسلمین در مصر روی کار آمدند و این قضایا را راه انداختند، طبق اطلاعاتی که من دارم، 250 هزار مسلمان مصری از دین برگشته اند و می گویند: «اگر اسلام این است ما نخواستیم! ما گمان می کردیم اسلام نوامیس ما را حفظ می کند، اسلام حیثیت و آبروی ما را حفظ می کند!»

به نظر می رسد این گروهک های تکفیری پیاده نظام یهود هستند که یهود به واسطه آنها در پی انتقام گیری از

امت اسلام است. جریان، جریان یهود است که در پس گروهک های وهابی خود را مخفی کرده و از آنها به عنوان ابزاری برای هموار کردن مسیر رسیدن به اهداف خود استفاده می کند. البته ممکن است برخی افراد اغفال شده نیز در میان آنها باشند، با این حال این یک پدیده خطرناک است و هر کس که می تواند باید برای جلوگیری و دفع این خطر بزرگ اقدام نماید.

### نمونه های تاریخی تکفیر مسلمانان

حال سؤالی که در اینجا مطرح است این است که آیا پدیده تکفیر، یک پدیده جدید است؟ یا اینکه اگر به عقب برگردیم ریشه های آن در صدر اسلام و حکومت - های به ظاهر اسلامی نیز به چشم می خورد؟

با بررسی تاریخ روشن می گردد که پدیده تکفیر، پدیده جدیدی نیست بلکه ریشه ی آن، خشونت، کشتار و بعد هم توجیه کار سلاطین توسط وعاظ است.

ما در تاریخ شاهد تکفیر کسانی هستیم که پیامبر اکرم از ایشان به عنوان کسانی که سرپای وجودشان را ایمان فراگرفته یاد می کردند، چوب تکفیر را به مخلص ترین اصحاب پیامبر اکرم زدند و به این بهانه خون مسلمین را ریختند، شهر مقدس مدینه را تاراج کردند و هتک

ابن قتیبه دینوری، [نه در کتاب الإمامه و السیاسة که اشکال کنند] در کتاب المعارف می گوید: «سعد بن وقاص با عمار قهر بود تا اینکه روزی سعد به عمار برخورد کرد و گفت: ما جزء افاضل اصحاب پیامبر اکرم بودیم و تو هم شخصیتی داشتی، الآن دیگر چیزی از عمرت نمانده، تو آدم خوبی بودی، آخر عمری چه کار کردی؟» به عمار می گوید: «آخر عمر از دین برگشتی!» چراکه عمار در آن زمان با حکومت سومی (عثمان) درگیر شده بود. درگیر شدن با حکومت امویین دنباله اش برچسب کفر و ارتداد بود. سعد گوید: «عمار حالا که آخر عمر تو رسیده و عمرت رو به پایان است کدام را انتخاب می کنی؟ اینکه در ظاهر با هم ارتباط خوبی داشته باشیم و با هم منافقانه برخورد کنیم؟ چرا که من تو را به سبب ارتدادت نمی خواهم، یا اینکه با هم قطع ارتباط کنیم؟!» عمار گفت: «قطع رابطه کن! نمی خواهم با من حرف بزنی!» او هم گفت: به خدا قسم تا زنده هستم با تو حرف نمی زنم (1). چنانکه می بینیم سعد بدون هیچ مجوزی عمار یکی از یاران نزدیک پیامبر را متهم به

ص: 25

---

1- المعارف، ص 550، وقال له « سعد » : إن كنا لنعدك من أفاضل أصحاب محمد - صلى الله عليه وسلم - حتى لم يبق من عمرك إلا ظم الحمار ، أخرجت ربة الإسلام من عنقك . ثم قال له : أيما أحب إليك ، مودة على دخل ، أو مصارمة جميلة؟ قال : بل مصارمة جميلة. فقال : الله على ألا أكلمك أبدا.



تکفیر و ارتداد می کند.

برخی از کج اندیشان همین تفکر را نسبت به امیرالمؤمنین دارند؛ یکی از این افراد نافع بن ازرق (1) است که به امام نسبت کفر می دهد. در روایتی از امام حسین آمده است: یابن الأزرق إتی أخبرت أنك تُکفّر أبی و أخی و تکفّرنی، ای پسر ازرق به من خبر رسیده است که تو پدر، برادر و خود مرا تکفیر می کنی! او گفت: لئن قلت ذلك لقد كنتم الحکّام و معالم الاسلام، اگر چنین گفتم شما هم بالأخره حکام زعیم و پرچم دار بودید، فلما بدلتم استبدلنا بکم مسیر عوض کردید و ما هم شما را مسلمان نمی دانیم. (2)

قضیه ی تکفیر امت اسلام، تکفیر مؤمنین، تکفیر بزرگان و... مسئله جدیدی نیست که امروز توسط امثال ابن عثیمین به وجود آمده باشد که به راحتی فتوا می دهد و دیگران را تکفیر می کند، بلکه در صدر اسلام نیز کسانی در حد سعد وقاص (که می گویند جزء عشره... هستند) شخصیتی مثل عمار را تکفیر کرده است، امیرالمؤمنین را تکفیر می کنند، حسین را تکفیر می کنند، به طور کلی تکفیر دیگران در سطح حکام و خلفا، بسیار رواج داشت، خود

ص: 26

---

1- وی کسی است که 600 روایت از روایات مالک از او نقل شده است.

2- تفسیر عیاشی: ج 2، ص 338؛ تفسیر نور الثقلین: ج 3، ص 289 و بحار الانوار: ج 33 ص 424.

خلیفه اول می گوید: لو منعونی عناقاً (1) كانوا یؤدونه إلی رسول الله صلی الله علیه وسلم لأقاتلنهم علی منعها، اگر مردم مرا از یک بزغاله یک ساله که به پیامبر می دادند، منع کنند (یعنی به پیامبر می دادند و به من ندهند) به تحقیق به خاطر منعشان خون آن ها را خواهم ریخت. (2) وی جنگ رده را هم به راه انداختند و تعداد کثیری را کشت، آیا همه ی آن ها همه ی مرتد بودند؟

هر چند اهل سنت در ظاهر با این مسئله که إرتد الناس بعد رسول الله إلا أربع (3) بعد از رسول الله تمام مردم جز چهار تن مرتد شدند، مخالفت می کنند و شیعه را در این مورد زیر سؤال می برند ولی در عمل خودشان پس از رسول الله همه را مرتد می دانند و در نتیجه جنگ رده را به راه انداختند. گروهی را که به بهانه ارتداد پس از رسول خدا کشتند از دو حال خارج نبودند:

گروه اول کسانی بودند که از ابتدا اسلام نیاورده بودند ولی از مخالفت علنی می ترسیدند. این افراد با رحلت

ص: 27

---

1- العناق : الأثنی من أولاد المعز قبل استكمالها الحول

2- تفسیر القرآن الکریم (ابن کثیر): ج 2، ص 400 و الدایه و النهایه ابن کثیر: ج 6، ص 343.

3- و دعوتهم الی نصرتی فما أجبني منهم الا اربعة رهط سلمان و عمار و المقداد و أبوذر. بحار الانوار: ج 22، ص 328، تاریخ نبینا، باب فضائل سلمان و أبي ذر و المقداد و عمار، ح 35.

پیامبر به مخالفت با حکومت پرداختند و به طور آشکار با اسلام به مخالفت پرداختند.

گروه دوم کسانی بودند که اصلاً مرتد نشدند، بلکه شهادتین را جاری می کردند و وجوه و حقوق شرعی را پرداخت می نمودند اما می گفتند به ابوبکر نمی دهیم! خلیفه اول این گروه را نیز جزو مرتدین به شمار آورد.

شافعی در کتاب الام می گوید:

أهل الردة بعد رسول الله صلى الله عليه وسلم ضربان، منهم قوم أغروا بعد الاسلام مثل: طليحة و مسيلمة و العنسي وأصحابهم، و منهم قوم تمسكوا بالإسلام و منعوا الصدقات. (1)

در جریان سقیفه سعد بن عباد به خاطر مخالفتی که کرد حکم ارتدادش صادر شد و عمر بن الخطاب گفت: قاتل الله سعداً فإنه منافق، به این بهانه که سعد دین ندارد او را ترور کردند و بعد اعلام کردند که جنی ها او را کشتند. (2)

ص: 28

---

1- الأم (شافعی): ج 4، ص 227.

2- الطبقات الكبرى: ج 3، ص 617، تسمية النقباء وأنسابهم وصفاتهم، و من بني ساعدة بن كعب بن الخزرج رجلا، سعد بن عباد و ج 7، ص 391، تسمية من نزل الشام من أصحاب رسول الله، سعد بن عباد؛ سير أعلام النبلاء: ج 1، ص 277، شرح حال سعد بن عباد، شماره 55؛ أنساب الإشراف: ج 2، ص 263 و 272، أمر السقيفة، موقف سعد بن عباد من أبي بكر؛ العقد الفريد: ج 4، ص 260 و تاريخ يعقوبي، ج 2، ص 124.

نمونه دیگر فجاءه سلمی: وی کسی بود که گفت به من سلاح بدهید تا با مرتدین بجنگم، سلاح گرفت و قطع طریق و راهزنی کرد، قرآن برای مجازات چنین فردی می فرماید:

«إِنَّ مَا جَزَاءَ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلُّوا أَوْ يُكْفَرُوا أَوْ يَنْفُوا مِنْ الْأَرْضِ» (1).

این در حالی است که دستان او را بسته و او را در آتش انداختند. کجا چنین حکمی در اسلام وارد شده است؟ اما برخی چون ابن ابی الحدید به توجیه این ماجرا پرداخته و خلیفه اول را تبرئه کردند. (2) باید پذیرفت که قطعاً خلیفه ی اول در این برخورد اشتباه کرده است. هر چند در کتب اهل سنت موارد متعددی به چشم می خورد که در آنها به راحتی بیان می دارد که علی یا فاطمه زهرا در رفتار و برخورد خود مرتکب اشتباه شدند (3) اما به شدت از نسبت خطا و اشتباه به خلفا ابا

ص: 29

1- مائده: 33.

2- شرح ابن ابی الحدید ج 17، ص 222.

3- در جریان قهر فاطمه زهرا با خلیفه ابن عثمان خلیفه را تبرئه می کند می گوید این اختلافات بوده و انسان گاهی عقلش را از دست می دهد و نمی بیند فاطمه زهرا (استغفر الله) اینجا از این قبیل بود (التعلیق علی صحیح مسلم ابن عثمان: ج 9، ص 78، باب قول النبی (صلی الله علیه وآله وسلم): «الانورث ماترکنا فهو صدقة» شرح حدیث 1758. اللهم اعف عنها، و إلا فإن أبا بکر ما استند إلى رأی، وإنما استند إلى نص، و كان عليها أن تقبل قول النبی (صلی الله علیه وآله وسلم) لا نورث، ماترکنا صدقة، و لكن عند المخاصمة لا یبقی للإنسان عقل یدرك به ما یقول أو ما یفعل أو ما الله ما یتصرف فيه، فنسأل الله أن یعفو عنها عن هجرتها خلیفة رسول الله (صلی الله علیه وآله وسلم)) دو صفحه بعد قضیه ی عدم بیعت علی با خلیفه را می گوید و در آنجا نیز می گوید امیرالمؤمنین اشتباه کرد (التعلیق علی صحیح مسلم ابن عثمان: ج 9، ص 81، باب قول النبی (صلی الله علیه وآله وسلم): «الانورث ماترکنا فهو صدقة» شرح حدیث 1758).

دارند و پیوسته می کوشند تا رفتار و برخورد آن ها را موجه جلوه دهند.

امروز تکفیری ها خود را تابع سلف معرفی می کنند، بر روی مسلمان بنزین ریخته و او را آتش می زنند و بعد می گویند به خدا قسم دلم برای آنان نمی سوزد. آری پیش از این نیز نمونه ی چنین رفتارهایی از سوی اسلاف آنان در تاریخ مشاهده شده است.

نمونه دیگر جریان خالد بن ولید است. وی شخصی خشن و خون ریز بود. او در زمان پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) و برای انجام کاری به سوی طائفه بنی جذیمه اعزام شد و در آنجا خلاف دستورات اسلام رفتار کرد و جنایاتی را مرتکب شد. خبر به پیامبر اکرم رسید ایشان فوراً هیئتی را به سرپرستی امیر مؤمنان جهت دلجویی و جبران اتفاقاتی که افتاده بود، اعزام داشتند تا از خانواده ی کسانی که مشکلی برایشان پیش آمده دلجویی شود. امیر مؤمنان به سوی آنان

ص: 30

رفت. ديه كشته های آنان را پرداخت نمود، خسارت هایی كه به آنان وارد شده بود را جبران كرد حتى خسارتي كه به ظرف آب سنگ آنان وارد شده بود را پرداخت كرد. پس از آنكه تمامی افراد راضي شدند حضرت فرمود: آیا کسی چیزی طلب دارد؟ گفتند: نه. حضرت مابقی اموالی كه همراهشان بود را نیز میان آنان تقسیم نمود و فرمود: «احتیاطاً لرسول الله مما لا يعلم ولا تعلمون»، این روش اسلام و پیامبر اکرم است. (1)

بعد از پیامبر اکرم، حکومت ابوبكر او را برای انجام كاری نزد مالك بن نویره می فرستد. وی مالك را به شهادت می رساند و سر او را از بدن جدا می كند و دستور می دهد تا سرهای بریده را به عنوان پایه های دیگ روی آتش قرار دهند. سر مالك را هم زیر دیگ گذاشتند تا

ص: 31

---

1- الثقات ابن حبان: ج 2، ص 62، تاریخ طبری ج 2، ص 342 و البداهة و النهایة (ابن کثیر): ج 3، ص 592. فلما انتهى الخبر إلى رسول الله صلى الله عليه وسلم رفع يديه إلى السماء ثم قال اللهم إني أبرأ إليك مما خالد صنع بن الوليد ثم دعا علي بن أبي طالب (عليه السلام) فقال يا علي اخرج إلى هؤلاء القوم فانظر في أمرهم واجعل أمر الجاهلية تحت قدميك فخرج حتى جاءهم ومعه مال قد بعثه رسول الله صلى الله عليه وسلم به فودى لهم الدماء وما أصيب من الأموال حتى إنه ليدى ميلغة الكلب حتى إذا لم يبق شيء من دم ولا مال إلا وداه بقيت معه بقية من المال فقال لهم علي (عليه السلام) حين فرغ منهم هل بقي لكم دم أو مال لم يود إليكم قالوا لا قال فإني أعطيتكم هذه البقية من هذا المال احتياطاً لرسول الله صلى الله عليه وسلم مما لا يعلم ولا تعلمون ففعل.

غذا بپزند، تعبیرش این است که «وصلت النار إلى بشرته ما خلا مالکاً» تنها سری که سوخته نشد همین سر بود (1). وی بعد از این جنایت در همان شب با همسر او نیز هم بستر می شود (2) و پس از آن با افتخار به مدینه باز می گردد. خبر به عمر بن الخطاب می رسد او به شدت برآشفته شده و با او برخورد می کند. پس از آن خالد برای ارائه گزارش نزد ابوبکر می رود. ابوبکر پس از شنیدن گزارش می گوید: با او چه کار دارید؟! او مجتهد است و نظرش در این مورد چنین بوده. (3)

حال سؤالی که مطرح است این است که مگر امروز تکفیری ها با مسلمانان چه کار می کنند که حاکمان مدینه در آن زمان انجام ندادند؟ مگر داعشی ها چه کار می کنند که همان کارها در تاریخ به عنوان اسلام انجام نشده است؟!

در زمان معاویه نیز ما شاهد چنین اتفاقاتی هستیم. برای مثال دستگاه معاویه عمرو بن حمق را دو سال

ص: 32

---

1- تاریخ طبری: ج 2، ص 273؛ الأغانی: ج 15، ص 202 و الغدير: ج 7، ص 159.

2- شرح ابن ابی الحدید: ج 1، ص 179؛ ج 17، ص 202 و الطعن السابع عدم إقامة الحد علی خالد بن ولید المواقف (الإيجی): ج 3، ص 611 و البرهان (بحرانی) ج 2، ص 616.

3- فابوبکر لقب خالد بسيف الله عندما قتل مالک بن نويرة و أفراد عشيرته المسلمین و نزا علی زوجته و أراد عمر حده، مع أنه قد ثبت له أن مالکا و جماعته كانوا مسلمين إذ أعطى الدية لأخيه و برأ خالدًا بأنه اجتهد فأخطأ. السقيفة أم الفتن (جواد جعفر الخليلي): ص 98.

تعقیب کرد ولی نتوانست او را پیدا کند به همین دلیل به خانه او یورش بردند و همسر او را دستگیر کرده و به عنوان گروگان دو سال او را در زندان نگه داشتند تا عمر و بیاید و خود را معرفی کند بعد هم او را کشتند و سرش را به نيزه کرده و شهر به شهر گرداندند (1).

در کتاب الغارات که از قدیمیترین کتب به شمار می آید جریان سفیان غامدی و حمله او به عراق بیان شده است. معاویه در هنگام اعزام او، به وی چنین می گوید:

«إني باعثك في جيش كثيف، أقتل كل من لقيت ممن ليس هو علي رأيك و احرب الاموال فإنه شبيهة بالقتل يا سفیان إن هذه الغارات علي أهل العراق ترهب قلوبهم و تجرئ كل من كان له فينا هوأ منهم و يری فراقهم».

تورا با سپاهی عظیم به عراق می فرستم. هر کس را در بین راه دیدی که تابع دین تو نبود، بکش و اموالش را غارت کن. (چون فقط دین معاویه دین اسلام است و بقیه کفار هستند!) ای سفیان این اعمال، عراقی ها را می ترساند و کسانی که با حکومت علی موافق نیستند را جرات داده و آن ها را به ما نزدیک می کند! (2)

ص: 33

---

1- تاریخ یعقوبی، ج 2، ص 231.

2- الغارات ص 320، سفیان بن عوف الغامدي إن هذه الغارات يا سفیان علی أهل العراق ترهب قلوبهم و تجرئ كل من كان له فينا هوی منهم و يری فراقهم، و تدعو إلينا كل من كان يخاف الدوائر، و خرب كل ما مررت به من القرى، و اقتل كل من لقيت ممن ليس هو علي رأيك، و احرب الأموال، فإنه شبيهة بالقتل وهو أوجع للقلوب.



نمونه دیگر مربوط به جریان بسر بن ارطاة است کسی که حتی مورخین در شرح حال او می گویند: این فرد کارهایی انجام داده است که انسان از بیان آنها شرمنده و خجالت زده می شود. او در یمن بعد از کشتار مسلمانان، زن ها را جمع کرد و برای فروش به بازار برد و برای جلب مشتری، آنها را کشف ساق می کرد تا افرادی که برای خرید می آیند ساق پای آنان را ببینند، زنان در حالی که گریه می کردند می گفتند: حتی زمانی که ما کافر بودیم پیامبر چنین رفتاری با ما نکرد، حال که ما مسلمانیم با ما چنین می کنند! (1)

در عصر حاضر نیز انسان با صحنه های دل خراشی مواجه می شود زنان مسلمان و محجبه ای که به بند کشیده شده اند و شمشیر پیش روی آن ها گرفته شده و آنها را به زور سلاح می کشانند! چهار پنج هزار زن مسلمان را برده اند. این اتفاق جدیدی نیست. هر جنایتی که امروز

ص: 34

---

1- أسد الغابة في معرفة الصحابة: ج 1، ص 374، شرح حال بسر بن ارطاة؛ الأغاني: ج 16، ص 285، ذكر الخبر في مقتل إبي عبید الله بن العباس؛ سير الأعلام النبلاء: ج 3 ص 410 شرح حال بسر بن ارطاة قاموس الرجال: ج 2، ص 304، شرح حال بسر بن ارطاة و سفينة البحار: ج 1، ص 307، شرح حال بسر بن ارطاة.

توسط داعش انجام می شود در تاریخ نمونه هایی از آن وجود داشته. در حقیقت بهتر است حکومت اموی را نیز حکومت داعش بنامیم. داعش در طول تاریخ وجود داشته و این هم امتداد همان است.

## فاجعه ی حره

عینی شارح بخاری می گوید: بیست و هفت هزار نیروی نظامی در ماه ذی الحجه به مدینه حمله کردند، دوازده هزار سواره نظام و پانزده هزار پیاده نظام. (1) نه مکان که مدینه باشد برای آنان مقدس است و نه زمان که ماه حرام (ذیحجه) باشد برای آنان حرمت دارد و نه خون مسلمان برایشان حرمت دارد.

مسلم بن عقبه پس از ورود به مدینه اعلام کرد: بروید سر بیاورید تا جایزه بگیرید. این قدر سر آوردند که جوایز تمام شد! گفت: کفایت می کند. سپس چنین دستور داد: «إستعرض أهلها بالسيف جزراً كما يجزر القصاب الغنم». به دستور او بقیه ی مسلمین مدینه را به صف کشیدند، یکی یکی آنها را می خواباندند و مانند گوسفند سر می بریدند تا جایی که در تاریخ آمده: حتی ساخت الأقدام في الدم، یعنی پاها در خون ناپدید می شد و فرو می رفت و در ادامه می گوید:

ص: 35

«وقتل أبناء المهاجرين والأنصار و ذرية أهل بدر وأخذ البيعة ليزيد بن معاوية على كل من استبقاه من الصحابة والتابعين على أنه عبد قنّ لأمير المؤمنين يزيد بن معاوية، هكذا كانت صورة المبايعة الحرة» (1)، از آن تعدادی کمی که باقی مانده بودند نیز بیعت گرفته شد که عبد و بنده خالص یزید باشند و پس از آن مانند حیوانات بر دست و گردن آنان داغ بندگی زدند تا نشانی بر بردگی آنان باشد. در این جنایات هر کس نقش بیشتری داشت از سوی یزید بیشتر مورد تشویق قرار گرفت.

وقتی اسلاف داعش در مدینه و در کنار قبر پیامبر چنین جنایاتی را مرتکب شدند، آنچه امروزه در سنجار و کوبانی و یمن اتفاق میافتد دور از انتظار نخواهد بود.

## واقعه کربلا

در تمام طول تاریخ جنایتی به بزرگی جنایاتی که در کربلا اتفاق افتاد رخ نداده است و این مسئله در لسان

ص: 36

---

1- شرح ابن ابی الحدید: ج 3، ص 259. لما قد جيش الحرة إلى المدينة، وعلى الجيش مسلم بن عقبة المري، أباح المدينة ثلاثا، واستعرض أهلها بالسيف جزرا كما يجزر القصاب الغنم، حتى ساخت الاقدام في الدم، وقتل أبناء المهاجرين والأنصار وذرية أهل بدر وأخذ البيعة ليزيد بن معاوية على كل من استبقاه من الصحابة والتابعين، على أنه عبد قنّ لأمير المؤمنين يزيد بن معاوية، هكذا كانت صورة المبايعة يوم الحرة.

ائمه و سخن بزرگان مورد تأکید قرار گرفته است، چنانکه امام حسن خطاب به برادر خویش امام حسین می فرمایند: لا یوم کیومک یا ابا عبدالله. (1) و جرجی زیدان نیز در این مورد چنین می گوید: در کربلا اتفاقی افتاد که تاریخ نظیرش را ندیده بود. (2)

در واقعه کربلا آب را بستند، از بچه های کوچک هم نگذشتند، همه را سر بریدند، بر روی بدن ها تاختند، اموال را غارت کردند، چادرها را به آتش کشیدند و جنایتی نبود که مرتکب نشده باشند!

هر چند مدعی هستند که یزید خودش این جنایات را مرتکب نشد ولی آیا جنایت کاران را توبیخ کرد؟ آیا به آنان اعتراض نمود؟ یا به جای اعتراض آنان را مورد تشویق قرار داد؟

یزید نه تنها ابن زیاد را که عامل این جنایات بود، توبیخ نکرد بلکه نامه ای برای او فرستاد و چنین نوشت:

ص: 37

- 
- 1- الأملی (شیخ صدوق): ص 177، أخبار بما سیجری علی الحسن و الحسین علیهما السلام، أن الحسین بن علی بن أبی طالب (علیه السلام) دخل یوما إلى الحسن (علیه السلام)، فلما نظر إليه بکی، فقال له: ما بیکیک یا أباعبد الله؟ قال: أبکی لما یصنع بک. فقال له الحسن (علیه السلام): إن الذی یؤتی إلى سم یدس إلى فاقتل به، ولكن لا یوم کیومک یا أباعبد الله و بحار الأنوار: ج 45، ص 218.
  - 2- تاریخ الإسلام (جرجی زیدان): ص 173 و 179 و مع الרכب الحسینی (وقائع الطریق): ج 5، ص 20.

رفعت فجاوزت السحاب و فوّه فمالك إلا مرّب الشمس مقعد إذا وقتت على كتابي هذا فاقدم على لأجازيك على ما فعلت جایگاه تو آنقدر رفیع شد که از ابرها نیز گذر کرده و به خورشید رسیده است! نامه من که به دست تو رسید نزد من بیا تا برای کاری که کردی به تو پاداش دهم.

«فقدّم عليه ابن زياد في أرباب دولته و جميع بني أمية و لما دخلوا على يزيد قام له و اعتنقه و قبل ما بين عينيه و قبل (ابن زياد) يده فأجلسه»؛ ابن زياد با اهل دولت و جميع بنی امیه پیش يزيد رفتند، يزيد از جا برخاست و او را در آغوش گرفت و پیشانی ابن زياد را بوسید، و ابن زياد هم دست يزيد را بوسید و نزد يزيد نشست. «و أقام عنده شهراً» ابن زياد یک ماه مهمان او بود و در کاخ خضراء که از بهترین کاخ های يزيد بود از او پذیرایی شد و يزيد او را چنین خطاب کرد: «موضع السر والأمانة مني» رازدار و امين سر من، و زمانی که خواست برود : «فوصّله بألف ألف درهم»، یک میلیون درهم به او داد، یعنی صد هزار دينار طلا به او داد، «ومثلها عروضاً و جواهرأ و دواباً و عبیداً»، و اموال غير نقدی و مرکب و غلام و کنیز به او داد. «وأطلق له خراج العراق سنة»، یک

سال هم مالیات عراق را به او بخشید «وعدا إلى العراق» و ابن زیاد به عراق بازگشت. (1)

مگر داعشی ها چه می کنند که بنی امیه انجام نداد؟ آنها هم جنایت می کنند، غارت می کنند، تعدی می کنند و حکومت های به ظاهر اسلامی، آنان را حمایت می کنند و به آنان اموال و هدایا می دهند بنی امیه هم در مدینه تعدی کردند، سه روز خون و مال و ناموس مردم مدینه مباح بود! هزار دختر در نتیجه تجاوز لشکر شام، سال بعد باردار بودند و وضع حمل کردند، به خانه ها حمله می کردند. فردی از اهالی شام به خانه ای در مدینه حمله کرد که زن خانه تازه وضع حمل نموده بود، وی درخواست تعدی ناموسی کرد. آن زن گفت: اولاً من هنوز در نفاس هستم ثانیاً ما به پیامبر تعهد دادیم که چنین کاری نکنیم گفت پس هر چه داری به من بده. زن گفت: و الله چیزی ندارم، قبل از تو هر چه بود بردند. رو کرد به بچه اش و گفت: یا بنی و الله لو كان عندي شيء لافتيديتك به، به خدا قسم اگر چیزی داشتم می دادم به این آقا که خودم و تو را از او خلاص کنم. گفت: نداری بدهی؟ در تاریخ آمده: اخذ برجل الصبي و الثدي

ص: 39

---

1- مرآة الزمان في تواريخ الأعيان (سبط بن الجوزي: ج 8، ص 186، حوادث سال 61.

في فمه فضرب به الحائط فانتثر دماغه في الأرض دست برد بچه ای را که سینه ی مادر هنوز در دهانش بود را از پای گرفت و به سینه ی دیوار زد به طوری که مغز کودک بر روی زمین و دیوار پخش شد (1)، امروز نیز چنین جنایاتی توسط داعش اتفاق افتاده و می افتد.

امروز هر چند داعشی ها تهدید می کنند که می خواهیم کعبه را خراب کنیم ولی بنی امیه کعبه را آتش زد و خراب نمود. (2)

در گذشته نیز، چنین افرادی امثال امیرالمؤمنین و امام حسین را تکفیر می نمودند. در واقعه کربلا سپاه دشمن جنازه کشته های خود را جمع نمود و دفن کرد (3) اما از دفن بدن شریف امام حسین و یارانشان خودداری نمودند تا به مردم بگویند که این افراد از شمار مسلمانان خارج شده اند. در آموزه های دین مبین اسلام حتی با کسی که مرتکب خلافی شود که حد بر او جاری می گردد نیز چنین برخوردی نمی شود، بلکه بدن او توسط مسلمانان تکفین و تدفین می گردد. حال چطور و به چه مجوزی

ص: 40

- 
- 1- الأمامة و السياسة (ابن قتیبه دینوری): ج 1، ص 215، غلبة أهل الشام إلى أهل المدية.
  - 2- مصباح المتعجب (شیخ طوسی)، ص 787 والیوم الثالث منه سنة أربع وستین أحرق مسلم بن عقبة ثياب الكعبة ورمی حیطانها بالنیران فتصدعت.
  - 3- مقتل الحسين (خوارزمی): ج 2، ص 44 و بحار الأنوار: ج 45، ص 62.

اهل بیت پیامبر را تکفیر کرده و چنین ستمی بر آنها روا داشته اند؟!!

بنابراین با آنچه بیان شد روشن می گردد که پدیده ی تکفیر، پدیده جدیدی نیست. این ها همه اش پس لرزه های سقیفه و کنار گذاشتن غدیر و من کنت مولاه فعلی مولاه است. همه اش پس لرزه های جنس تقلبی و بدلی است که به جای جنس اصلی تحویل مردم دادند ولی به زودی زود واقعیت آشکار می شود، دنیا دیگر خسته شده و حقایق برای دنیا روشن خواهد شد.

اگر اسلام دینی باشد که داعشی ها وهابی ها و آل سعود می گویند، مسیحیت و سایر ادیان می گویند: همان دین خودمان بهتر از این است. ولی اهل بیت عصمت از همان روز با داعشی ها که در آن زمان تحت عنوان امویان و عباسیان بر مسلمانان حکومت می کردند به مخالفت پرداختند.

در زمان امام رضا فردی از سوی هارون مأمور می شود تا به مدینه حمله کند و حجاب از سر زنان آل ابی طالب بردارد و طلاهای آنان را غارت کند. امام رضا همه زنان را در خانه خود جمع می کنند و جلوی در خانه می ایستند و به مأمور هارون التماس می کنند که چه می خواهی؟ می گوید: من مأمورم گوشواره ها را از گوش زن ها درآورم

ص: 41



و طلاهایشان را بگیرم. امام می فرماید: خودم این کار را می کنم. به تو تعهد می دهم هر چه طلا داشته باشند به تو بدهم، این کار را نکن!

(1)

آری جریان داعش از آن روز بوده و اینها هم پیامدها و دنباله رو همان جریان هستند. ائمه طاهرین در برابر این حکومت های ظالم و تکفیری تا پای جان ایستادند و مرزبندی کردند تا این حقیقت را به دنیا برسانند که اعمال این جنایت کاران را به حساب پیامبر نگذارید دین این ها اسلام نیست و نمونه اش خاندان معاویه است. اسلام این طرف است و به زودی زود خواهید دید که بوی عطر آل محمد همه جا را خواهد گرفت.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

ص: 42

---

1- عیون أخبار الرضا (شیخ صدوق): ج 2، ص 161، توقيع للرضا (علیه السلام). وكان الجلودی فی خلافة الرشید لما خرج محمد بن جعفر بن محمد بالمدينة بعثه الرشید وأمره إن ظفر به أن يضرب عنقه وأن یغیر دور آل أبي طالب وأن یسلب نساءهم ولا یدع علی واحدة منهن إلا ثوبا واحدا ففعل الجلودی ذلك وقد كان مضی أبو الحسن موسى بن جعفر علیهما السلام فصار الجلودی إلى باب دار أبي الحسن الرضا علیه السلام هجم علی داره مع خيله فلما نظر إليه الرضا جعل النساء کلهن فی بیت ووقف علی باب البیت فقال الجلودی لأبي الحسن علیه السلام لا بد من أن ادخل البیت فاسلبهن كما أمرنی أمير المؤمنین فقال الرضا علیه السلام أنا أسلبهن لك واحلف أنى لا أدع علیهن شیئا إلا أخذته.

بسمه تعالی

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه موفق به تولید نرم افزارهای تلفن همراه، کتاب خانه های دیجیتالی و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملاً مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارک امام علیه السلام پشتیبانی می شود.

برای خدمت رسانی بیشتر شما هم می توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز بپیوندید.

آیا می دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهلبیت علیهم السلام نیست؟

و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟

به شما تبریک میگوئیم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : ( موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه )

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

